

خنده و پرنده

صندلی دلش گرفته بود
صندلی
همیشه غصه داشت
فکر کرد
سالهای دور دور
میوه داشت
سایه داشت
جویبار خنده داشت
روی شاخه های ساده اش
چتری از پرنده داشت

کمال شفیعی

چه شد؟

گاهی احساس می کنم از سنگم
با هر چیزی و هر کسی در جنگم
آخر چه شده است؟ از خودم می پرسم
می بینم هیچ من فقط دلتنگم

بگرد

یک تکه حصیر و چند سوزن آورد
با کاغذ سبز و آبی و قرمز و زرد
کارش که تمام شد پدر، گفت بیا:
با فررها به شادی باد بگرد
بابک نیک طلب

سفر

گرم می شوم
سرد می شوی
سبز می شوم
زرد می شوی

قهر می کنی
ناز می کشم
منت تو را
باز می کشم

در نگاه تو
میل رفتن است
آفتاب و برف
قصه من است

ای که چون نسیم!
می روی سفر
پس دل مرا
با خودت ببر

حسین احمدی



حواس مرا...

حواس مرا پرت کن
 مثل سببی
 به سمت درختان گنجشک
 حواسی مرا پرت کن
 مثل گل توی یک رودخانه
 دلم پُر شده از عددها
 نمودار
 آمار
 حواس مرا در خیابان رها کن
 به یک بوق ممتد
 به رقص دو تا برگ در باد
 به لبخند یک پنجره
 روی دیوار

مریم اسلامی

مثل دانه‌ها

ما
 بچه‌های ساده کلاس
 مثل دانه‌ها
 به آفتاب و آب دل خوشیم
 ذهن ما
 توی میزهای مدرسه
 هر کدام
 دفتری‌ست
 کیف‌ها و کوله‌ها پر از جواب
 ما ولی سؤالمان
 چیز دیگری‌ست
 محمد صارمی شهاب



شاعران جهان



ایلیحان برک
 (۲۰۰۸-۱۹۱۶)

از ایلیحان برک به عنوان
 رنگین کمان عصر طلایی شعر ترک
 یاد می‌کنند. برک از پیشگامان
 جریان موسوم به شعر نو دوم و شاید
 بتوان گفت مدرن‌ترین آنهاست.
 برخی از آثار او عبارت‌اند از:
 روز به خیر زمین (۱۹۲۵)
 دریای گالیله (۱۹۵۳)
 کودک و دلتا (۱۹۸۴)
 خاکستر (۱۹۷۹)
 گالاتا (۱۹۸۵)
 پرا (۱۹۹۰)

به تو که می‌اندیشم

به تو که می‌اندیشم
 آهویی برای نوشیدن آب
 پایین می‌آید
 دشت‌ها را
 سبزتر می‌بینم
 دانه‌ای زیتون سبز
 و تکه‌ای از دریای آبی
 مرا در بر می‌گیرد
 به تو که می‌اندیشم
 هر جا که دستم می‌رسد، گل می‌کارم
 به اسب‌ها آب می‌دهم
 و کوه‌ها را
 بیشتر دوست دارم.
 (ایلیحان برک شاعری از ترکیه)